

به نام خدا

انواع خاتمه دادن به خط‌مشی عمومی

بخش چهارم



انواع خاتمه دادن به خط‌مشی

ارزیابان جهت خاتمه دادن به خط‌مشی‌ها ممکن است به چند طریق پیشنهادات خود را بیان نمایند یا اینکه خاتمه بخشی را به چند نوع بیان نمایند. در زیر به چهار نوع متداول خاتمه خط‌مشی که در دولت‌ها اتفاق می‌افتد اشاره می‌گردد.

خاتمه دادن به کارکرد^۱: خاتمه دادن در خط‌مشی‌گذاری، علاوه بر آنکه به خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها مربوط می‌باشد، به اهداف سازمان‌ها و کارکردهای دولت‌ها نیز مربوط می‌شود. البته گاهی اوقات، تفاوت قائل شدن بین برنامه سازمان دولتی و کارکرد دولت کار بسیار مشکلی است. برای مثال تشخیص و جداسازی کارکرد حقوق بازنشستگی از برنامه پرداخت‌های امنیت اجتماعی کار آسانی نیست. همان‌طور که گاهی اوقات، پایان بخشیدن به یک برنامه، پایان بخشیدن به کارکرد دولت نیست و بالعکس. گرچه ممکن است این حالت نیز اتفاق نیفتد، یعنی با پایان بخشیدن به یک کارکرد دولت، برنامه‌ها نیز پایان پذیرند و یا اینکه برنامه تنها راه اجرایی کردن و تحقق بخشیدن به کارکرد دولت بوده و با پایان دادن آن برنامه، کارکرد مربوطه دولت نیز تعطیل شود.

کارکرد دولت توسط لیون، به عنوان یک خدمت تعریف می‌شود که به وسیله دولت ارائه می‌شود و بالاتر از سازمان‌ها و خط‌مشی‌ها قرار دارد. به عبارت دیگر کارکردها، سازمان‌ها و برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سازمان‌ها، فلسفه وجودی خود را به کارکردها منتصب می‌نمایند.

کارکرد دولت یا سازمان دولتی ضرورتاً خدماتی است که علایق و نیاز عمومی در ارائه و توزیع آن می‌باشد و اگر به وسیله دولت توزیع نشود، ارائه و توزیع آن بسیار مشکل و یا حتی غیرممکن است، مانند امنیت عمومی کارکردها با مفروضات جاری درباره نقش و مسئولیت دولت‌ها وابسته بوده و شکل گرفته و در برابر خاتمه دادن مقاومت می‌کنند. خاتمه دادن به کارکردها، اولین و مشکل‌ترین سطح خاتمه دادن می‌باشد که البته به ندرت تحقق می‌یابد.

^۱. Function Termination

ارزیابی، یادگیری و تغییر خط‌مشی عمومی

سطح دوم خاتمه دادن به سازمان‌ها^۲ برمی‌گردد. سازمان‌ها توسط لیون به عنوان گروهی از کارکنان که مؤسسه دولتی را می‌سازند و نظام اجتماعی که روابط کارکنان را با کار و مسئولیت تعیین می‌کند، تعریف شده است. وی وجود سازمان‌ها را شدیداً وابسته به کارکردهای دولتی که آنها را ایجاد نموده است می‌داند، گرچه سازمان‌ها به صورت مجازی فناپذیرند، اما آنها راحت‌تر از کارکردهای دولت، خاتمه داده می‌شوند. وقتی به سازمان‌ها خاتمه داده می‌شود کارکردهایی که آنها انجام می‌دادند معمولاً به سازمان دیگری منتقل می‌شود. در بعضی موارد، البته به ندرت نیز ممکن است کارکرد دولت با خاتمه دادن به سازمان خاتمه یابد.

نوع سوم خاتمه دادن، به خط‌مشی‌های سازمانی^۳ برمی‌گردد. خط‌مشی‌ها، دیدگاه‌های عمومی یا استراتژی‌هایی هستند که برای عملکرد کارکردهای دولتی به کار گرفته می‌شوند و با شرایط زیر آماده‌اند که به وظایف خاتمه دهند؛ اول اینکه سازمان‌ها معمولاً به صورت خود - حفاظتی^۴ عمل می‌کنند و یک خط‌مشی را به منظور حفظ کل سازمان قربانی می‌کنند. البته خط‌مشی‌های خاتمه یافته می‌توانند به وسیله خط‌مشی‌های جدید جایگزین شوند که رویکردها یا استراتژی‌های مختلفی را به کار گیرند. دوم اینکه، خط‌مشی‌ها نسبت به سازمان‌ها در میدان خط‌مشی، اتحاد و اتفاق کمتری از خود نشان می‌دهند. سازمان‌ها معمولاً حامیان سیاسی قوی‌تری از خط‌مشی‌ها دارند. سوم اینکه خط‌مشی‌ها به راحتی از سازمان‌ها تفکیک شده و ارزیابی می‌شوند. چهارم اینکه معمولاً انتقادات از سازمان‌ها بر روی شکایت از خط‌مشی خاصی متمرکز می‌شود که می‌توان آن را به منظور حفظ سازمان قربانی نمود.

خاتمه دادن به خط‌مشی‌ها به عنوان دفاع از سازمان‌ها و کارکردهای دولتی به کار گرفته می‌شود و نسبت به آنها راحت‌تر می‌باشد و در عین حال معمول‌ترین سطح تجزیه و تحلیل است که تحلیل‌گران برای خاتمه خط‌مشی‌ها از آن استفاده می‌کنند.

². Organizations Termination

³. Organization Policy termination

⁴. Self-Preservation

ارزیابی، یادگیری و تغییر خطمشی عمومی

نهایتاً نوع چهارم خاتمه دادن برنامه^۵ می‌باشند. برنامه‌ها راحت‌ترین هدف برای خاتمه بخشی هستند. برنامه‌ها به عنوان تجلیات عملیاتی خطمشی‌ها بوده و در ارزیابی، تمرکز بازرسان بر روی آنها می‌باشد. برنامه‌ها به راحتی به این طرف و آن طرف کشیده و با یکدیگر جابجا می‌شوند. این موضوع حتی در مورد مؤثرترین برنامه‌ها نیز اگر نیاز باشد، اتفاق می‌افتد.

این چهار نوع خاتمه بخشی به خطمشی‌ها که در نمودار شماره ۸ به عنوان سلسله مراتب نشان داده شده‌اند از بالا به پایین به صورت مقاوم‌ترین نسبت به خاتمه تا راحت‌ترین تنظیم شده است. کارکردهای دولت در برابر خاتمه دادن بسیار مقاوم بوده و بیشترین توافق و ائتلاف بر روی آنها وجود دارد. بررسی تاریخی نقش و کارکرد دولت‌ها، چنین وضعیتی را تأیید می‌کند، البته ممکن است کارکردهای دولتی از سازمانی به سازمان دیگر منتقل شوند یا حتی گسترده‌تر شوند. بعد از آن، سازمان‌ها نسبت به خاتمه مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهند. بخشی از این مقاومت از طریق بخش‌ها و ستادهایی است که سازمان در درون جامعه ایجاد نموده و از طریق آن خدمت ارائه می‌کند و بخش دیگر آن توسط حامیانی صورت می‌گیرد که در مصدر امور تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری قرار دارند. خطمشی‌ها بیشترین موضوع تجزیه و تحلیل‌ها برای خاتمه دادن هستند و برنامه‌ها، بیشترین قربانیان خاتمه بخشی می‌باشند.

^۵. Plan Termination

ارزیابی، یادگیری و تغییر خط‌مشی عمومی

بسیار مقاوم (زیاد)

کارکردها

سازمان‌ها

خط‌مشی‌ها

برنامه‌ها

کم

سلسله مراتب مقاومت نسبت به خاتمه دادن